



کز بدی مآل از شوشتن جان جانم
 کسیمی کجا شایست با برترین
 ای که نوسانست لیدی ز روی غروب جاه
 کسین سبب غصبات ای یون

چو عیسی ز نفس یک در مرنوبی در لب
 زاراب بجز نماست با برترین
 ز بار باروشی عقل کل تا برده راه
 ز بار باروشی عقل کل تا برده راه